بسمه تعالی

نظام سؤالات نظریه مرحوم آقا ضیاء در علم اجمالی

تعیین محل نزاع (محل نزاع در علم اجمالی، فعلیت حکم است یا تنجیز و یا کیفیت طریقیت علم اجمالی؟)

1. آیا بحث در قابلیت اطراف علم اجمالی در جریان ترخیص برخلاف، بر سر فعلیت حکم واقعی است؟

1/1- آیا اینگونه است که علم اجمالی در مرتبه ای از فعلیت حکم، قابل ترخیص است و در مرتبه ای دیگر خیر؟

1. آیا بحث بر سر قصور علم اجمالی در تنجیز است؟
2. آیا بحث بر سر کیفیت طریقیت علم اجمالی است که موجب قابلیت ارتفاع به ترخیص می شود، در حالیکه تنجز آن تمام است؟

استدلال

1. آیا خطابی که به علم اجمالی تعلق گرفته است فعلیت دارد؟ (به گونه ای که متصف به باعثیت و زاجریت شود)

1/1- آیا این مقدار از فعلیت که مقتضای ظهور خطابات است، با ترخیص در ظرف جهل منافات دارد؟ (خیر)

1. آیا فعلیت علی الاطلاق -که از اراده حفظ مرام ناشی شده- با جریان ترخیص در ظرف جهل به واقع منافات دارد؟ (ولو به خطاب ثانوی در طول خطاب اول)

1/2- آیا این مرتبه از فعلیت، از خطاب واقعی- اولی- فهمیده می شود؟

2/2- آیا امکان دارد وصول به مرام بأی نحو - ولو در ظرف جهل- قصد شده باشد؟

ماهیت علم اجمالی (ماهیت علم اجمالی چیست؟)

1. قوام علم و شک - بلکه جمیع صفات وجدانی- معنون خارجی است یا صورت ذهنی؟

1/1- مرجع علم اجمالی چیست؟ معنون خارجی است یا صورت اجمالی حاکی از واقع؟

1. آیا معروض و متعلق علم و شک واحد است یا متعدد؟
2. آیا وحدت معنون ایندو در خارج موجب سرایت یکی بر متعلق دیگری نمی شود؟ (خیر)
3. آیا معروض یقین، عنوان اجمالی است و معروض شک، عنوان تفصیلی؟ (بله)

1/4- آیا اگر موضوع و معروض علم و شک، واحد بود، اجتماع ضدین پیش می آمد؟ (استدلال)

1. تفاوت علم اجمالی و تفصیلی چیست؟

1/5- آیا تفاوت از جهت معلوم و مکشوف است یا از جهت علم و کاشف؟

2/5- آیا متعلق علم تفصیلی، عنوان تفصیلی شیء است که از سراسر وجودش حکایت می کند و متعلق علم اجمالی صورت اجمالی و یا جامع بین طرفین است؟

1. آیا جامع، فی نفسه و فی ذاته متعلق علم اجمالی واقع شده است - مانند کلی طبیعی- یا بماأنه آینه اجمالی از خصوصیات اطراف؟
2. نسبت بین جامع و افراد چیست؟

1/7- آیا جزء تحلیلی آن است یا همه آن به نحو اجمال؟

2/7- آیا معلوم بالاجمال مانند نکره مأخوذ در متعلق احکام است؟ چه تفاوتی بین آندو است؟

1/2/7- آیا جامع مأخوذ در تکالیف در ظرف عدم و قبل از وجود و تعین است و جامع موجود در متعلق علم اجمالی بوصف موجودیت و تعین در خارج؟

1. آیا امکان دارد قضیه معلوم بالاجمال را به قضیه معلوم علی سبیل منع الخلو(وجود احدالامرین) تبدیل کرد؟

جریان اصول مرخص (آیا ادله اصول بذاتها - مع قطع النظر عن منجزیه علم اجمالی- قابلیت شمول شبهات علم اجمالی را دارد؟)

1. در این خصوص آیا تفاوتی میان اصول تنزیلی و اصول غیر تنزیلی وجود دارد؟ (پیش فرض)(تقسیم)

* اصول غیر تنزیلی (آیا اصول غیر تنزیلی، قابلیت شمول شبهات علم اجمالی را دارند؟)

1. آیا موضوع ادله اصول غیر تنزیلی (شک)، در هر طرف از علم اجمالی بعنوانه الخاص، وجود دارد؟
2. آیا در ادله اصول غیر تنزیلی فرقی بین آنهایی که مذیل به غایت «معرفه» هستند و آنهایی که نیستند، وجود دارد؟

1/2-آیا اگر مقصود از «معرفه»، علم تفصیلی باشد، مانع جریان اصل در اطراف است؟

2/2-آیا اگر «معرفه»، علم اجمالی را هم در بر گیرد، مانع جریان اصل در اطراف است؟

1. از آنجا که متعلق علم اجمالی «جامع» است و اصول در «اطراف بخصوصه» جاری می شود، تعارضی بین ایندو وجود دارد؟
2. آیا اگر مفاد اصل ترخیص در یکطرف منضم با طرف دیگر باشد، با علم اجمالی به جامع در تعارض خواهد بود؟ (بله)

1/4- آیا مفاد اصل ترخیص در یکطرف بخصوصه است یا منضم با طرف دیگر؟

1. آیا با وجود «بعینه» در ذیل بعض ادله -که مقتضی ظهور اتحاد شک و غایت است- علم اجمالی مانع شمول عمومات مزبوره می شود؟
2. با توجه به عدم تعلق علم اجمالی بحرمه یکطرف بخصوصه، آیا علم اجمالی مانع شمول ادله ترخیص بر کل واحد از اطراف خاص می شود؟ خصوصاً با اقتران ذیل بعض ادله به کلمه «بعینه» که ظهور در علم تفصیلی دارد؟
3. آیا در روایات «السعه» اگر «ما» را مصدریه ظرفیه باشد و علم را اعم از علم اجمالی بدانیم، شامل اطراف علم اجمالی می شود؟ (خیر)

* اصول تنزیلیه (آیا اصول تنزیلیه (استصحاب) قابلیت شمول اطراف شبهات علم اجمالی را دارند؟ (مع قطع النظر از منجزیت علم اجمالی و استلزام به مخالفت عملیه))
* اشکال اول (آیا استصحاب در هردو طرف، با علم اجمالی در تعارض است؟)

1. آیا علم اجمالی - که نقض حالت سابقه در احدالإنائین است- با استصحاب در دو طرف - که احراز حالت سابقه در هردو است- در تعارض است؟
2. آیا استصحاب ثبوتاً شامل جمیع اطراف می شود؟
3. آیا احراز وجدانی به نجاست احدالإنائین با احراز تعبدی به طهارت هردو در تعارض است؟
4. آیا در این خصوص فرقی بین موردی که مخالفت عملی پیش می آید با موردی که مخالفت عملی پیش نمی اید وجود دارد؟

* پاسخ حلی:

1. آیا بین احراز تعبدی در اطراف بخصوصه و احراز وجدانی به نحو اجمالی تضادی هست؟

1/1- با توجه به اینکه احراز تعبدی یک طرف بخصوصه است و موضوع احراز وجدانی عنوان جامع (احدالامرین) آیا ایندو احراز با یکدیگر تعارض پیدا می کند؟

1. آیا صرف اتحاد منشاء (شک) و عنوان خارجی در دو طرف استصحاب آیا موجب قلب احراز سابق در آندو می شود؟ (خیر)
2. آیا اگر گفته شدکه یقین در علم اجمالی از عنوان جامع به اطراف سرایت می کند، آیا امکان جریان استصحاب وجود دارد؟ (خیر)
3. با توجه به اینکه بین احراز وجدانی، با شک به عنوان تفصیلی تعارض وجود ندارد- ولو مع کونهما متحدین فی الخارج- چگونه بین آن و احکام آن شک (احراز تعبدی) که قائم به عنوان تفصیلی است منافات باشد؟

* پاسخ نقضی:

1. آیا جریان استصحاب در مواردی که لازم می آید بین متلازمین تفکیک کرد (استصحاب بقاء حدث و طهاره بدن عند الوضوء بمائع مردد بین الماء و البول) نقض اشکال عدم جریان استصحاب در اطراف علم اجمالی نیست؟
2. آیا جریان استصحاب در مواردی که تفکیک بین متلازمین لازم می آید صحیح است؟
3. آیا اختلاف در مؤدا می تواند عامل فرق بین جریان استصحاب در مواردی که تفکیک متلازمین لازم می آید (مؤدا مختلف است) و موارد علم اجمالی(مؤدا واحد است) باشد؟

1/3-آیا صرف مخالفت مؤدای دو اصل برای رفع تضاد بین تعبد به بقاء کل من الامرین با علم به عدم بقاء احدالامرین کافی است؟

* اشکال دوم (جریان استصحاب در علم اجمالی موجب تناقض صدر و ذیل دلیل استصحاب می شود؟)

1. آیا صدر دلیل استحصاب (لاتنقض الیقین بالشک) و ذیل دلیل (بل انقضه بیقین آخر) شامل علم اجمالی می گردد؟
2. آیا با توجه به اشتراک دو طرف در مناط جریان استصحاب می توان گفت احدهما المعین مشمول لاتنقض است؟
3. آیا احدهما المخیر می تواند مشمول لاتنقض قرار گیرد، با توجه به اینکه فرد ثالثی غیر دو فرد مشخص در خارج بوجود می آید؟

* پاسخ

1. متعلق یقین در صدر و ذیل دلیل استصحاب چیست؟

1/1-آیا یقین در صدر دلیل، شامل علم اجمالی می شود؟ (خیر)

2/1- آیا یقین در ذیل دلیل، شامل طرف خاص می شود[[1]](#footnote-2)؟ (خیر)

1. وجوب نقض حالت سابقه عندالعلم بالخلاف حکم ارشادی و ارتکازی عقل است یا حکم مولوی و تعبدی؟

1/2- آیا حکم ارشادی با حکم مولوی تناقض پیدا می کند؟ (خیر) (پیش فرض)

1. در صورتی که ذیل دلیل (عدم قيام العلم بالخلاف مطلقا) را قید برای صدر دلیل بدانیم، آیا تناقض آن در خصوص علم اجمالی وجهی دارد؟ (بله)
2. آیا می توان ذیل دلیل را قید برای صدر دلیل دانست؟ (خیر)

1/4- آیا در اینصورت، خلاف ظاهر - ارشادی بودن ذیل- نمی باشد؟ (بله)

2/4- آیا در اینصورت، اطلاق یقین در قید، شامل مواردی نمی شود که نقض عملی با علم اجمالی پیش نمی آید؟[[2]](#footnote-3) (اشکال نقضی)

3/4- آیا دلیل از ناحیه ذیل دچار اجمال نمی شود؟ (بله)

1/3/4- درصورت اجمال ذیل، می بایست به اطلاق صدر که شامل دو طرف شک می شود، رجوع کرد؟ (بله)

2/3/4- آیا می توان به اخباری رجوع کرد که خالی از این قید در ذیل دلیل هستند؟ (بله)

منجزیت علم اجمالی به نحو «علیت تامه» نسبت به مخالفت قطعیه

استدلال اول[[3]](#footnote-4) :

1. آیا علم اجمالی و متعلقش مانند علم تفصیلی است؟

1/1- آیا تفاوت ایندو صرفاً در اجمالی بودن متعلق علم اجمالی و تفصیلی بودن متعلق علم تفصیلی است؟

1. این تفاوت تأثیری در امتثال و منجزیت دارد؟
2. آیا مناط تحمیل و تنجیز عقل، طبیعت امر مولا است بلا دخل خصوصیته؟

استدلال دوم[[4]](#footnote-5) :

1. آیا از نظر عقل ترخیص در اطراف علم اجمالی، ترخیص در معصیت است؟
2. چرا ترخیص در اطراف علم اجمالی ترخیص در معصیت است؟ آیا بدلیل علیتی بودن تنجز آن است؟
3. آیا اینکه ترخیص در اطراف علم تفصیلی مساوی با ترخیص در معصیت است(به نحو ارتکازی)، می تواند شاهدی بر ترخیص در معصیت بودن جریان اصل در دو طرف علم اجمالی باشد؟ (استدلال)

1/3- آیا میان علم تفصیلی به تکلیف و ترخیص بر خلاف، تناقض وجود دارد ارتکازاً ؟ (بله)

2/3- آیا اگر تنجز علم تفصیلی به نحو علیتی نبود و یا اینکه حکم عقل اقتضائی بود و معلق به عدم ترخیص به خلاف، آیا بین حکم عقل به وجوب امتثال با ترخیص، تناقض پدید می آمد؟ (خیر)

1/2/3- در فرض دوم(تعلیق حکم عقل به عدم ترخیص)، آیا چنین ترخیصی با فعلیت حکم در تنافی نیست؟ (خیر)

2/2/3- آیا عدم تنافی فعلیت حکم با فرض جهل نسبت به حکم واقعی، می تواند دلیلی بر عدم تنافی فعلیت حکم با تعلیقی بودن حکم عقل نسبت به امتثال تکلیف شود؟ (بله)

1. آیا تناقض ترخیص با منجزیت علم اجمالی درصورتی است که حکم عقل به امتثال تکلیف، تنجیزی باشد و نه تعلیقی؟ (بله)

1/4- آیا مشروط بودن تناقض فوق، به تنجیزی بودن حکم عقل ، در علم اجمالی و علم تفصیلی یکسان است؟ (بله)

1. آیا وجود تناقض ارتکازی میان تکلیف و ترخیص، از تنجیزی بودن حکم عقل حکایت می کند؟ (بله)

منجزیت علم اجمالی به نحو «علیت تامه» نسبت به موافقت قطعیه

1. آیا تنجز و اشتغال تکلیف در علم اجمالی به نحو علیت تامه است؟
2. آیا این علیت تامه سبب حکم تنجیزی عقل به امتثال و وجوب تحصیل جزم به فراغ خواهد بود؟ (بله)
3. با توجه به حکم عقل مبنی بر وجوب تحصیل جزم به فراغ، آیا عقل حکم نمی کند به لزوم اجتناب از جمیع اطرافی که احتمال انطباق تکلیف برآن هست؟ (بله)

1/3- آیا در این موضع، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل پیاده می شود؟

2/3- آیا ترخیص شرعی در این موضع، ترخیص در معصیت خواهد بود؟

1/2/3- آیا جریان ترخیص شرعی در یک طرف نیز ترخیص در محتمل المعصیه است؟

2/2/3- آیا ترخیص در محتمل المعصیه، همانند ترخیص در مقطوع المعصیه است؟

3/2/3- ملاک حکم عقل در اجتناب، تکلیف منجز به نحو معلوم بالتفصیل است - که در اینصورت اجتناب از یکطرف علم اجمالی کافی است- و یا تکلیف منجز به نحو معلوم بالاجمال را هم شامل می شود؟

شبهه : انحصار تنجز در جامع در صورت عدم سرایت علم به اطراف و در نتیجه عدم وجوب موافقت قطعیه

1. آیا علم بیش از متعلق خود را تنجیز می کند؟ (خیر)
2. از آنجا که متعلق علم اجمالی نیز بیش از جامع نیست، می توان ادعا کرد که تنها «جامع» منجز شده است و به اطراف سرایت نکرده است؟
3. در صورتی که تنجز بر جامع متوقف شود وبه اطراف سرایت نکند، آیا بدلیل عدم بیان، هریک از اطراف موضوع ترخیص عقلی قرار نخواهند گرفت؟
4. انحصار تنجز در جامع آیا بیش از حرمت مخالفت قطعیه، اقتضائی دارد؟ (خیر)

پاسخ :

جواب حلی :

1. تنجز از لوازم وجود خارجی حکم است یا وجود ذهنی - ولو بمرئاتیه از خارج- ؟ (وجود خارجی)

1/1- آیا در صورت کشف خلاف و تبین عدم وجود حکم، تنجزی باقی می ماند؟ (مؤید)

1. آیا هرچند علمی که به صورت ذهنی تعلق گرفته است به خارج سرایت نکند، آیا تنجز در وجود خارج خواهد بود؟ (بله)
2. با وجود تنجز در ظرف واقع خارجی، آیا هریک از اطراف، محتمل التنجیز نخواهند شد؟ (بله)
3. با توجه به محتمل التنجیز بودن هریک از اطراف و احتمال وجود عقاب و ضرر، آیا اصل دفع ضرر محتمل جاری نخواهد شد؟ (بله)

منشاء توهم :

1. آیا متعلق علم اجمالی کلی طبیعی و یا مانند کلی مأخوذ در حیز تکالیف است؟ (منشاء توهم)
2. در صورتیکه خصوصیات به نحو اجمال در علم اجمالی موجود باشند، آیا تنجز به خارج سرایت نمی کند؟ (بله)

اثبات مدعا با پیش فرض مستشکل :

1. آیا در صورت تنجز جامع و عدم سرایت آن به خارج، می توان گفت موافقت قطعیه واجب است؟ (بله)

1/3- با توجه به تعلق علم به احدالمحتملین - و نه جامع- و با توجه به اشتغال آن، آیا عقل به وجوب تحصیل جزم بالفراغ - موافقت قطعیه- حکم می کند ؟ (بله)

1. - «و لكن فيه» بعد الغض عن انصراف الذيل إلى اليقين المتعلق بما تعلق به الشك و اليقين السابق في قوله عليه السلام لا تنقض غير الشامل لليقين الإجمالي [↑](#footnote-ref-2)
2. - مبني على إطلاق اليقين في الذيل و شموله للموارد التي لا يلزم من جريان الأصل في الطرفين طرح و نقض عملي للمعلوم بالإجمال و هو في محل المنع [↑](#footnote-ref-3)
3. - موضوع تنجز «علم به طبیعت امر مولا» است که در علم اجمالی محقق است و اجمالی بودن آن از خصوصیاتی است که تأثیری در تنجیز ندارد. [↑](#footnote-ref-4)
4. - ترخیص در اطراف علم اجمالی ترخیص در معصیت است چرا که با تنجز تکلیف در تعارض است مانند ترخیص در علم تفصیلی

   و این در صورتی است که حکم عقل به امتثال تکلیف تنجیزی باشد و نه معلق به عدم ترخیص

   تناقض به صورت ارتکازی وجود دارد، پس حکم عقل تنجیزی است. [↑](#footnote-ref-5)